

## تأثیر سیاست‌های نئومرکانتیلیزمی دولت ترامپ بر شرکت‌های

### چندملیتی چینی

محمدطاهر تنزه‌ای<sup>۱\*</sup>، محمدهاشم مهرزاد<sup>۲</sup>

#### چکیده

ایالات متحده آمریکا در دهه‌های اخیر، به دلیل جای‌گاه برجسته خود در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و نظامی، سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه‌ی را در سطح بین‌المللی دنبال کرده است. این روند به‌ویژه در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ برجسته‌تر شده و سیاست خارجی و اقتصادی آمریکا را به سمت نئومرکانتیلیزم سوق داده است. در این راستا، اقدامات ترامپ تأثیرات گسترده‌ی بر روابط تجاری و اقتصادی بین‌المللی، به‌ویژه بر شرکت‌های چندملیتی چینی، داشته است. تحلیل سیاست‌های نئومرکانتیلیزمی دولت ترامپ و بررسی اثرات آن بر شرکت‌های چندملیتی چینی، برای فهم به‌تر پیامدهای سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه در عرصه اقتصاد سیاسی بین‌الملل ضروری است. هدف این مقاله بررسی تأثیر سیاست‌های نئومرکانتیلیزمی دولت ترامپ بر فعالیت شرکت‌های چندملیتی چینی بوده است. پرسش اصلی مقاله این بوده: سیاست نئومرکانتیلیزمی دولت ترامپ چه تأثیری بر فعالیت شرکت‌های چندملیتی چینی داشته است؟ این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و از ابزارهای کتاب‌خانه‌ی، مجلات علمی، سایت‌های معتبر، پایان‌نامه‌ها و مقالات علمی استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که سیاست‌های نئومرکانتیلیزمی دولت ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری وی (۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱)، از طریق کنترل رقیبان، نگرش حمایت‌گرایانه و وضع تحریم‌های اقتصادی و سیاسی، تأثیر منفی بر فعالیت شرکت‌های چندملیتی چینی داشته و منجر به کاهش درآمد آن‌ها شده است.

**واژه‌گان کلیدی:** نئومرکانتیلیزم، اقتصاد سیاسی، دولت ترامپ، یک‌جانبه‌گرایی، شرکت‌های

چندملیتی، حمایت‌گرایی.

<sup>۱</sup> پوهنمل / دانش‌یار دیپارتمنت علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، پوهنخی / دنش کده حقوق و علوم سیاسی، پوهنتون / دانش‌گاه غالب، هرات، افغانستان (نویسنده)

مسؤول: (taher.tonzai@ghalib.edu.af)

<sup>۲</sup> دانش‌جوی دکتری روابط بین‌الملل، دانش‌گاه / پوهنخی حقوق و علوم سیاسی، دانش‌گاه / پوهنتون خوارزمی، تهران، ایران (hashem.mehrzaad@yahoo.com)

این مقاله تحت مجوز بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر شده است.



Review Article

ISSN

P: 2788-4155

E: 2788-6441

OPEN ACCESS <<https://ghalibqjournal.com/index.php/ghalibqjournal>>

DOI: <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.13.I.4.5>

Received: 26/ 08/ 2024

Accepted: 12/ 12/ 2024

Published: 21/ 12/ 2024

PP: 87 - 104

Ghalib

## The impact of the Trump Administration's Neo-mercantilistic Policies on Chinese Multinationals



id



id

Mohammad Taher Tonzai<sup>1\*</sup>, Mohammad Hashim Mehrzad<sup>2</sup>

### Abstract

In recent decades, the United States has pursued unilateralist policies at the international level due to its prominent position in the economic, political, security, and military arenas. This trend has become especially notable during the Trump presidency, pushing US foreign and economic policy towards neomercantilism. In this regard, Trump's actions have had widespread effects on international trade and economic relations, especially on Chinese multinational corporations. Analyzing the Trump administration's neo-mercantilist policies and examining their effects on Chinese multinational corporations is essential for a better understanding of the consequences of unilateralist policies in the field of international political economy. This article aimed to examine the impact of the Trump administration's neo-mercantilist policies on the activities of Chinese multinational corporations. The main question of the article was: What impact has the Trump administration's neo-mercantilist policy had on the activities of Chinese multinational corporations? This research was conducted using a descriptive-analytical method and library tools, scientific journals, reputable websites, theses, and scientific articles were used. The findings show that the neo-mercantilistic policies of the Trump administration during his first term (2017 to 2021), through the control of competitors, protectionist attitudes, and the imposition of economic and political sanctions, have hurt the activities of Chinese multinational companies and have led to a decrease in their income.

**Keywords:** Neo-mercantilism, Political Economy, Trump Administration, Unilateralism, Multinational Corporations, Protectionism.

<sup>1</sup>Associate Professor, Department of Political Science and International Relations, Faculty of Law and Political Science, Ghalib University, Herat, Afghanistan (Corresponding author: [taher.tonzai@ghalib.edu.af](mailto:taher.tonzai@ghalib.edu.af))

<sup>2</sup> Doctoral Student in International Relations, Faculty of Law and Political Science, Kharazmi University, Tehran, Iran ([hashem.mehrzaad@yahoo.com](mailto:hashem.mehrzaad@yahoo.com))



## ۱. مقدمه

شرکت‌های چندملیتی به عنوان هسته سازمانی نظام سرمایه‌داری جدید جهانی شناخته می‌شوند. نظامی که فرامرزی شدن روندهای تولید، تجارت و سرمایه‌گذاری، از ویژه‌گی‌های اساسی آن است و بر سر هم پدیده‌ی را رقم‌زده که از آن به نام جهانی شدن یاد می‌شود. شرکت‌های چندملیتی غربی در این روند نقش عمده‌ی بر عهده داشته‌اند. این شرکت‌ها عمدتاً پس از جنگ جهانی دوم گسترش پیدا نمودند. گسترش سریع شرکت‌های چندملیتی تأثیرات عمیق و گسترده‌ی بر توسعه اقتصادی جهانی دارد. این شرکت‌ها با فعالیت‌های خود در کشورهای مختلف، نه تنها به انتقال فناوری و دانش فنی کمک می‌کنند، بل که به ایجاد شغل و افزایش درآمد نیز می‌انجامند. از سوی دیگر، این شرکت‌ها می‌توانند به گسترش بازارها و افزایش رقابت کمک کنند، که این امر می‌تواند منجر به بهبود کیفیت محصولات و خدمات شود. این شرکت‌ها در حال حاضر به غول‌های بزرگ اقتصادی و سیاسی تبدیل شده‌اند و چنان در کشورهای متعدد ریشه دوانیده‌اند، که تعیین ملیت و تعلق آن‌ها به این و یا آن کشور، چندان آسان نیست.

در کنار این مسائل باید به این نکته اشاره کرد، که کاهش جای‌گاه ایالات متحده آمریکا در مقابل ظهور چین به عنوان یک قدرت اقتصادی موجب ایجاد نگرانی‌های جدیدی در نهادهای تصمیم‌گیر ایالات متحده آمریکا شده است.

ایالات متحده به‌ویژه تحت ریاست جمهوری دونالد ترامپ در دوره اول، سیاست‌های حمایت‌گرایانه و نئومرکانتیلیزمی را به کار گرفته است. این سیاست‌ها نه تنها بر روابط اقتصادی بین دو کشور تأثیر گذاشته است، بل که بر بازارهای جهانی و زنجیره‌های تأمین نیز اثرگذار بوده‌اند. رویکرد نئومرکانتیلیزمی آمریکا نشان‌دهنده تغییر در نحوه تفکر درباره تجارت جهانی و رقابت اقتصادی است، که ممکن است در سال‌های آینده ادامه یابد و حتی تشدید شود. آمریکا خواستار کاهش هزینه‌های خود و افزایش قدرت خود در مقابل چین می‌باشد؛ به همین جهت سیاست حمایت‌گرایانه‌ی را در پیش گرفته و با به‌کارگیری ابزارهای گوناگون و تقویت اقتصاد داخلی در جهت مقابله با چین است، که با در پیش گرفتن این سیاست‌ها نهایتاً مهار چین هدف خواهد بود (احمدیان و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۱).

اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق در این می‌باشد که رفتارهای ایالات متحده آمریکا به عنوان یک کشور هژمون در سطح جهان و نوعیت تعامل آن با کشورهای نوظهور اقتصادی دیگر مثل چین، که ادعای هژمونی دارد، تأثیر قابل توجهی بر شرکت‌های چندملیتی چینی گذاشته است. این سیاست‌ها عمدتاً براساس اصول حمایت‌گرایی اقتصادی و تمرکز بر تراز تجاری مثبت آمریکا تدوین شده بودند، به همین جهت اهمیت و ضرورت دارد تا به بررسی رابطه این دو کشور پرداخته شود.

در مورد پیشینه تحقیق به آثار زیر می‌توان اشاره نمود، که در این مقاله، از دست‌آوردهای آنان استفاده گردیده و نیز تلاش شده است تا خالی‌گاه‌های تحقیقات پیشین را پوشش دهد:

- مقاله‌ی تحت عنوان «اقتصاد سیاسی ترامپیستی و تأثیر آن بر اقتصاد تجاری چین و آسیا»، اثری است از قدرت احمدیان و ندا کهریزی، که در سال ۱۳۹۸ در ایران در فصل‌نامه سیاست خارجی، به چاپ رسیده است؛

- مقاله‌ی تحت نام «آثار رشد اقتصادی چین بر تقویت حمایت‌گرایی اقتصادی در ایالات متحده»، اثری است از قدرت احمدیان، فرزاد رستمی و حمیدرضا چراغی، که در سال ۱۳۹۸ در ایران در فصل‌نامه علمی سیاست جهانی، به چاپ رسیده است؛

- مقاله‌ی تحت عنوان «روی‌کرد نئومرکانتیزی روسیه و چین به انرژی آسیای مرکزی»، اثری است از حسین رفیع و محسن بختیاری جامی، که در سال ۱۳۹۵ در ایران در فصل‌نامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، به چاپ رسیده است؛

- کتابی تحت نام «اقتصاد سیاسی مداخله‌گرایی در سیاست خارجی آمریکا»، اثری است از عبدالله قنبرلو، که در سال ۱۳۹۹ توسط پژوهش‌کده مطالعات راه‌بردی کشور ایران به چاپ رسیده است.

بررسی آثار فوق، نشان می‌دهد که علی‌رغم نگرش آثار مختلف در حوزه اقتصاد سیاسی و سیاست خارجی امریکا و چین، تاکنون اثر علمی و پژوهشی بارز و مشخصی که به‌طور خاص در مورد سیاست‌های نئومرکانتیلیزمی دولت ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری او باشد، انجام نشده است.

هدف اصلی مقاله حاضر این می‌باشد تا تأثیر سیاست‌های نئومرکانتیلیزمی دولت ترامپ را بر شرکت‌های چندملیتی چینی بررسی نماید. با تمام این اوصاف پرسش اصلی تحقیق این است که سیاست نئومرکانتیلیزمی دولت ترامپ چه تأثیری بر فعالیت شرکت‌های چندملیتی چین داشته است؟

یافته‌ها نشان می‌دهند که سیاست‌های نئومرکانتیلیزمی دولت ترامپ در دوره اول ریاست‌جمهوری وی (۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱)، از طریق کنترل رقیبان، نگرش حمایت‌گرایانه و وضع تحریم‌های اقتصادی و سیاسی، تأثیر منفی بر فعالیت شرکت‌های چندملیتی چینی داشته و منجر به کاهش درآمد آن شرکت‌ها شده است. این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و از ابزارهای کتابخانه‌یی، مجلات علمی، سایت‌های معتبر، پایان‌نامه‌ها و مقالات علمی استفاده شده است.

## ۲. چهار چوب نظری نئومرکانتیلیزم

مرکانتیلیزم<sup>۱</sup> (Mercantilism) یک مکتب اقتصادی است، که در قرن‌های ۱۶ تا ۱۸ میلادی در اروپا رواج داشت و به‌ویژه در دوران ظهور دولت‌های ملی و تجارت بین‌المللی اهمیت یافت. این مکتب به‌عنوان یک نظریه اقتصادی و سیاسی، بر اهمیت ثروت ملی و تراز تجاری مثبت تأکید دارد. تأثیر این مکتب بر تحول نظام روابط بین‌الملل قابل ملاحظه بوده است؛ زیرا بحث اصلی آن متمرکز بر این امر است، که سیاست خارجی اقتصادی باید منعکس‌کننده منافع دولت‌ها باشد، که این مورد، با روند دولت‌محوری (بین قرون ۱۶ تا ۱۸م) سازگاری داشت (قوام، ۱۳۹۸: ۱۰۶).

نئومرکانتیلیزم یک نظریه اقتصادی و سیاسی است که به‌ویژه در تحلیل روابط تجاری و اقتصادی بین کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد. این نظریه به‌عنوان یک بازنگری و تجدید نظر در نظریه‌های کلاسیک مرکانتیلیزم شناخته می‌شود و بر اهمیت دخالت دولت در اقتصاد و تجارت بین‌الملل تأکید دارد. از نظر این نظریه هم‌کاری اقتصادی میان دولت‌ها در عرصه بین‌الملل اگر نگوئیم سخت، اما بسیار دشوار است (احمدیان و کهریزی، ۱۳۹۸: ۹).

مرکانتیلیزم با کاهش واردات و افزایش صادرات، سیاست افزایش ثروت سرزمینی را دنبال می‌کند. مرکانتیلیست‌ها همه‌گی بر این مفکوره اتفاق نظر دارند، که کشور به هر شکلی که هست باید به تراز بازرگانی مثبت دست پیدا کند (تفضلی، ۱۳۹۷: ۴۷).

در مکتب مرکانتیلیزم، دولت‌ها برای تحقق شکوه و ثروت ملی باید به دو اقدام کلیدی توجه کنند: اول (جهت‌دادن به اقتصاد داخلی)، دولت‌ها باید سیاست‌هایی را تدوین کنند که به تولید داخلی و صادرات کمک کند. دوم: (هدایت صنایع به سمت ارزش‌افزوده)، دولت‌ها باید تلاش کنند تا صنایع را در راستای ایجاد ارزش افزوده هدایت کنند. با اجرای این دو استراتژی، دولت‌های مرکانتیلیزمی می‌توانند به شکوفایی اقتصادی دست یابند و ثروت ملی را افزایش دهند. این رویکردها نه‌تنها به تقویت اقتصاد داخلی کمک می‌کنند، بل که می‌توانند موقعیت کشور را در بازارهای جهانی نیز تقویت نمایند.

نظریه نئومرکانتیلیزم به‌عنوان یک رویکرد مدرن در تحلیل روابط اقتصادی و سیاسی، به‌طور خاص بر اهمیت ارتباط بین ثروت اقتصادی و قدرت سیاسی تأکید دارد. نئومرکانتیلیزم بر این باور است که ثروت ملی نه‌تنها به‌عنوان یک هدف اقتصادی، بل که به‌عنوان ابزاری برای تقویت قدرت سیاسی و هژمونی در نظام بین‌الملل عمل می‌کند. دولت‌ها باید با ایجاد سیاست‌های حمایتی، به رشد و توسعه صنایع داخلی کمک کنند تا بتوانند در بازارهای جهانی رقابت کنند. از سویی دولت‌ها باید از طریق سیاست‌های کنترولی، فعالیت‌های اقتصادی را هم‌هم‌آهنگ کنند؛ و برای حداکثرسازی ثروت

<sup>1</sup> - Mercantilism

## تأثیر سیاست‌های نئومرکانتیلیزمی دولت ترامپ بر شرکت‌های چندملیتی چینی (عالمی)

ملی، دولت‌ها باید منابع اقتصادی را به‌طور مؤثر مدیریت کنند. نظریه نئومرکانتیلیزم بر اهمیت هم‌آهنگی میان فعالیت‌های اقتصادی و سیاست‌های حمایتی تأکید دارد تا کشورهای مختلف بتوانند با حداکثرسازی ثروت ملی، قدرت سیاسی خود را در نظام بین‌الملل تقویت کنند. این رویکرد به‌جای اتکا به نظامی‌گری صرف، بر توسعه پایدار و اقتصادی تأکید دارد، که می‌تواند به ایجاد ثبات و رفاه بیش‌تر در سطح جهانی منجر شود (رفیعی و بختیاری جامی، ۱۳۹۵: ۴۱).

نئومرکانتیلیزم به‌عنوان یک نظریه در روابط بین‌الملل، بر اساس اصول اقتصادی و سیاسی خاص خود، نظام آنارشیک بین‌الملل را به‌سوی رقابت و حداکثرسازی قدرت سوق می‌دهد. در این چهارچوب، دولت‌ها به‌عنوان بازی‌گران اصلی، تلاش می‌کنند تا با اتخاذ سیاست‌های اقتصادی مؤثر، حاکمیت و امنیت ملی خود را تثبیت کنند. در یک نظام آنارشیک، جایی که هیچ مرجع بالاتری برای حل و فصل منازعات وجود ندارد، دولت‌ها به‌طور مستقل عمل می‌کنند. این شرایط به رقابتی شدید میان کشورها منجر می‌شود، زیرا هر کشور به دنبال تأمین منافع ملی خود و افزایش قدرت نسبی‌اش نسبت به دیگران است. نئومرکانتیلیزم این رقابت را به‌عنوان یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر می‌بیند، که در آن دولت‌ها باید به‌طور فعال برای حداکثرسازی ثروت و قدرت خود تلاش کنند. نئومرکانتیلیزم نشان‌دهنده یک رویکرد فعالانه به روابط بین‌الملل است که در آن دولت‌ها با تمرکز بر حداکثرسازی ثروت و قدرت، تلاش می‌کنند تا جای‌گاه خود را در نظام جهانی تقویت کنند. این رویکرد نه تنها به افزایش امنیت ملی کمک می‌کند، بل که به شکوفایی اقتصادی نیز منجر می‌شود. در کنار همه این مسائل باید خاطر نشان کرد که این مکتب، دولت‌ها را به کنترل منابع خارجی و جریان‌های مالی بین‌الملل و کاهش آسیب‌پذیری از قواعد اقتصادی هم‌هدایت می‌کند (Padoan & Gerrey: 1986).

درواقع در این نظریه شکوفایی و توسعه اقتصاد داخلی تنها با پشتی‌بانی قوی دولت از افزایش تجارت خارجی و واگذاری کمک‌های مالی به شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی داخلی باهدف سرمایه‌گذاری خارجی و کسب درآمد ملی دست‌یافتنی است. تأکید نظریه‌پردازان نئومرکانتیلیزم بر مزیت نسبی در تجارت خارجی، بیان‌گر اهمیت سرمایه‌گذاری خارجی در صنایع کلیدی سودآور است (رفیعی و بختیاری جامی، ۱۳۹۵: ۴۵). نئومرکانتیلیست‌ها، اصل مزیت نسبی در حوزه اقتصاد را با هدف کاهش تضادهای ناشی از عدم موازنه قدرت رقیب دنبال می‌کنند (Powell. 1991:156).

ترامپ از خود دیدگاهی مرکانتیلیزمی نسبت به سیاست خارجی نشان داده است. او به ظاهر از مرکانتیلیزم سنتی به طرق گوناگونی فاصله گرفته است. همه تصمیم‌های ترامپ در کنار هم حاکی از یک راه‌برد نئومرکانتیلیزمی می‌باشد (قنبرلو، ۱۳۹۹: ۲۳).

ترامپ در دوره اول ریاست جمهوری خود از ناحیه چین احساس خطر کرد و سیاست‌های تجاری آن کشور با امریکا را به شدت به انتقاد کشید. به گونه‌یی که برخی از تحلیل‌گران دوره اول ترامپ (۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱) را دوره جنگ تجاری میان امریکا و چین می‌دانستند، که این جنگ تجاری در سیاست ترامپ در مقابل شرکت‌های چینی به خصوص دو شرکت چینی (هوآوی و زد تی ای) نمود پیدا می‌کرد (احمدیان و کهریزی، ۱۳۹۸: ۱۴).

از آن جایی که این پژوهش در مورد سیاست نئومرکانتیلیزمی دوره اول ترامپ است، پس به جاست تا از میان مجموع نظریه‌ها در اقتصاد سیاسی و روابط بین الملل از نظریه نئومرکانتیلیزم برای رسیدن به نتیجه تحقیق مان استفاده نماییم.

### ۳. شرکت‌های چندملیتی

شرکت‌های چندملیتی عمدتاً پس از جنگ جهانی دوم گسترش یافتند. شرکت‌های چندملیتی سازمان‌های اقتصادی‌اند که در دو یا چند کشور به فعالیت‌های تولیدی خود مشغول هستند. آن‌ها عموماً در کشورهای مادر (کشورهای اصلی شرکت) دارای چندین مرکز اصلی هستند و در نقاط مختلف دنیا با تأسیس شرکت‌های فرعی در سایر کشورها (میزبان) گسترش پیدا می‌کنند (بالام و وست، ۱۳۹۷: ۲۰۲).

مفهوم شرکت چندملیتی<sup>۱</sup> محصول دوره پس از جنگ جهانی دوم است. در یک تعریف جامع می‌توان گفت که شرکت‌های چندملیتی بنگاه‌های بزرگ صنعتی-تجاری هستند، که پای‌گاه اصلی آن‌ها در یک کشور واقع است؛ اما علاوه بر آن در چند کشور خارجی دیگر از طریق شبکه‌یی از واحدها، سازمان‌ها و شرکت‌های تابع، فعالیت تولیدی و فروش دارند (دهقانی اشکذری و رحیم‌زاده، ۱۳۹۴: ۳۳).

شرکت‌هایی که بدل به شرکت‌های چندملیتی می‌شوند باید از توانایی و مشوق لازم برای این گذار برخوردار باشند. نوآوری در ارتباطات، حمل‌ونقل و فناوری، شرکت‌ها را قادر می‌کند تا محصولات خود را راحت‌تر بین المللی کنند و در صورتی که شرکت‌ها بتوانند «جهانی فکر کنند» و «بومی عمل کنند»، احتمالاً به شکل موفقیت‌آمیز چندملیتی می‌شوند. شرکت‌های چندملیتی که در کشورهای مختلف فعالیت می‌کنند و باید از قوانین ملی آن کشورها تبعیت کنند و تقاضا و سلیقه‌های مصرف‌کننده‌گان بومی را برآورده نمایند (کوهن، ۱۳۹۲: ۵۲۷).

<sup>1</sup> - Multinational corporation

## تأثیر سیاست‌های نئومرکانتیلیزمی دولت ترامپ بر شرکت‌های چندملیتی چینی (حالی)

براساس برخی آمارها حدود ۵۰ هزار شرکت چندملیتی در سراسر جهان وجود دارد؛ اما مالکیت و کنترل دارایی‌های این شرکت‌های چندملیتی بسیار متمرکز است. براساس آمارها تنها یک درصد از شرکت‌های چندملیتی، نصف تمام دارایی‌های خارجی موجود را در جهان به خود اختصاص داده‌اند (بالام و وست، ۱۳۹۷: ۲۰۲).

چین یکی از بزرگ‌ترین میزبانان شرکت‌های فراملیتی و مایل به سرمایه‌گذاری بیش‌تر این شرکت‌ها در این کشور است. چین خود نیز دارای شرکت‌های فراملیتی بزرگ مثل چاینا اوربرایت گروپ، دی جی آی، زد تی ای، شیاهومی، لنوو، هوآوی، هویاوی و غیره است. در بررسی شرکت مشاوره مدیریت مکنزی از شرکت‌های چندملیتی چین آمده است، که سود بیش از نیمی از شرکت‌های بررسی شده، ۱۰ درصد به بالا بوده است. اگرچه این مقدار چشم‌گیر نیست، اما این شرکت‌ها قصد دارند تا میانگین سرمایه‌گذاری خود را در چین از ۵۰ میلیون دالر به بیش از ۲۰۰ میلیون دالر افزایش دهند.

### ۳-۱. شرکت چندملیتی چینی هوآوی (Huawei)

هوآوی بزرگ‌ترین تولیدکننده تجهیزات ارتباطاتی، مخابراتی و شبکه در جهان است. عنوانی که سال ۲۰۱۲م. با پشت‌سرگذاشتن شرکت سوئدی «اریکسون» آن را تصاحب کرد. این غول چینی هم‌چنین سال ۲۰۱۸م. با عبور از اپل امریکا به دومین تولیدکننده گوشی‌های همراه پس از سامسونگ کره جنوبی تبدیل شد. محصولات هوآوی در حال حاضر در بیش از ۱۷۰ کشور جهان به فروش می‌رسد. اگرچه هوآوی یکی از موفق‌ترین شرکت‌های چین و بل‌که جهان طی سال‌های اخیر بوده، اما مسیر این موفقیت بدون مانع نیز نبوده است. این غول چینی از زمان روی کارآمدن دولت ترامپ، یکی از اهداف خصومت‌های امریکا بوده است. واشنگتن بارها این شرکت را به دریافت حمایت از دولت چین، ارائه اطلاعات کاربران و مشتریان به پکن با اهداف جاسوسی، انجام اقدامات نامشروع سایبری و فروش تجهیزات و قطعات حاوی فناوری‌های امریکایی به کشورهای تحت تحریم، از جمله ایران، متهم کرده است.

هوآوی بزرگ‌ترین بازی‌گر در حوزه استراتژی نسل پنجم شبکه‌های همراه موسوم به 5G نیز هست. دولت ترامپ هوآوی را به کارگذاشتن قطعات و حفره‌های امنیتی در تجهیزات صادراتی خود با هدف جاسوسی پکن متهم کرد. امریکا استفاده از قطعات هوآوی در تمامی دستگاه‌های متعلق به دولت فدرال این کشور و هم‌چنین هرگونه فروش قطعات یا فناوری‌های امریکایی به هوآوی را ممنوع کرد.



شرکت هوآوی اعلام کرد، که تحریم‌های امریکا در سال ۲۰۱۹م. ضربه بزرگی بر تجارت تلفن همراه این شرکت وارد کرد. در پی ادعاهایی که درباره تهدید امنیتی محصولات هوآوی مطرح شده بود، امریکا این شرکت را تحریم کرد و بریتانیا نیز پروژه ساخت شبکه G5 خود را با هوآوی لغو کرد (میرترابی، ۱۳۹۳: ۳۰).

### ۲-۳. شرکت چندملیتی زد. تی. ای (ZTE)

شرکت چندملیتی «زد. تی. ای» یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های ساخت تجهیزات مخابراتی است. گوشی‌های هوشمند این شرکت پس از اپل، سامسونگ و ال‌جی، در ردیف پرفروش‌ترین‌ها در بازار امریکا است.

شرکت «زد. تی. ای» (ZTE). غول فناوری ارتباطات چین و به‌نوعی رقیب اصلی هوآوی محسوب می‌شود. این شرکت چندملیتی که سال ۱۹۸۵م. توسط «هو ویگویی» تأسیس شد، در کشورهای مختلفی از جمله امریکا زیرمجموعه دارد و به‌طور گسترده فعالیت می‌کند. عمده محصولات زد. تی. ای. شامل گوشی‌های همراه، تجهیزات شبکه و خدمات نرم‌افزاری و سخت‌افزاری مربوط به اپراتورهای همراه است. زد. تی. ای. نیز طی دوره اول ریاست جمهوری ترامپ از خصومت‌های امریکا بی‌بهره نبوده و به اتهامات مشابهی با هوآوی تحت تحریم و مجازات واشنگتن قرار گرفت. این شرکت در ماه مارچ سال ۲۰۱۷م. به‌خاطر نقض تحریم‌های امریکا علیه ایران، یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون دالر جریمه شده بود. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا، اعلام کرد در ازای پرداخت جریمه و شروط تجاری، مدیریتی و امنیتی، اجازه بازگشت به شرکت چینی «زد. تی. ای» به بازار امریکا را صادر کرده است.

در آن بازه زمانی دسترسی دو شرکت چینی «هوآوی» و «زد. تی. ای»، به بازار امریکا محدود یا قطع شده بود. اعمال این محدودیت‌ها در پی سوءظن امریکا به این دو شرکت در مورد استفاده از فناوری‌های‌شان برای جاسوسی از امریکا صورت گرفته بود.

### ۴. روی کرد ترامپ در چهارچوب نظریه نئومرکانتیلیزم

ایالات متحده امریکا به دنبال کاهش هزینه‌های خویش و افزایش قدرت خویش در مقابل ظهور اقتصادی چین به‌عنوان رقیب اصلی خود می‌باشد. این کشور با در پیش گرفتن سیاست نئومرکانتیلیزمی در داخل، همانند حمایت از تولید داخل، اختصاص یارانه به همراه سیاست جنگ تعرفه‌ها و تحریم، در صدد مهار چین است (احمدیان و دیگران، ۱۳۹۸: ۴۳).

[تأثیر سیاست‌های نئومرکانتیلیزمی دولت ترامپ بر شرکت‌های چندملیتی چینی] **عالمی**

ترامپ دیدگاه‌های مرکانتیلیزمی نسبت به سیاست خارجی دارد، که در آن کشورها با استفاده از منابع، توافقات امنیتی منعقد می‌کنند، که تنها روی منفعت مستقیم و فوری خودشان متمرکز است (موسوی شفاهی، ۱۳۹۸: ۲۲). روی کرد دونالد ترامپ، به‌ویژه در دوران ریاست‌جمهوری‌اش (۲۰۱۷-۲۰۲۱م)، به‌خوبی با اصول نئومرکانتیلیزم سازگار است. ترامپ بارها از کسری تجاری امریکا انتقاد کرد و تلاش‌های گسترده‌یی برای کاهش این کسری انجام داد. او معتقد بود که امریکا در تجارت جهانی به دلیل سیاست‌های ناعادلانه سایر کشورها، به‌ویژه چین، متضرر شده است. سیاست‌های او مانند اعمال تعرفه‌های گمرکی بر واردات کالاهای چینی و اروپایی، تلاش برای افزایش صادرات محصولات امریکایی و تأکید بر «خرید کالای امریکایی» نمونه‌های مشخصی از این روی کرد هستند.

ترامپ سیاست‌های حمایت‌گرایانه را برای محافظت از صنایع داخلی ایالات متحده دنبال کرد. این شامل اعمال تعرفه‌ها بر واردات فولاد و آلومینیوم و تقویت تولید داخلی در صنایع کلیدی مانند موتورسازی و انرژی می‌شد. خروج امریکا از توافق‌نامه مشارکت ترنس‌پاسیفیک (TPP) نیز نشان‌دهنده تمایل او به تمرکز بر توافقات دوجانبه به‌جای قراردادهای چندجانبه بود، که به نظر او باعث ضرر ایالات متحده می‌شد.

شعار «اول آمریکا» (America First) که محور تبلیغات ترامپ بود، روی کردی نئومرکانتیلیزمی را تقویت می‌کند. این شعار بر اولویت‌دادن به کارگران و صنایع داخلی ایالات متحده تأکید داشت. ترامپ معتقد بود که وابسته‌گی بیش‌ازحد به واردات به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند تولید کالاهای صنعتی و دارویی، تهدیدی برای امنیت اقتصادی و ملی امریکاست.

جنگ تجاری میان ایالات متحده و چین، که با اعمال تعرفه‌های متقابل آغاز شد، نشان‌دهنده دیدگاه نئومرکانتیلیزمی او بود که تلاش داشت با محدود کردن واردات از چین و تقویت تولید داخلی، جای‌گاه امریکا را در اقتصاد جهانی ارتقا دهد. ترامپ چین را متهم کرده است که مالیات مضاعفی بر روی کالاهای امریکایی اعمال کرده است (دینی ترکمانی، ۱۳۹۶: ۵۴).

سیاست ترامپ در زمینه انرژی بر افزایش تولید نفت و گاز داخلی و کاهش وابسته‌گی به منابع خارجی متمرکز بود. او با خروج از توافق پاریس و کاهش محدودیت‌های زیست‌محیطی، تلاش کرد به رشد صنعت انرژی ایالات متحده کمک کند. سیاست‌های ترامپ از بسیاری جهات نشان‌دهنده یک روی کرد نئومرکانتیلیزمی بود، که بر حفظ و تقویت قدرت اقتصادی داخلی، کاهش وابسته‌گی به تجارت خارجی و ایجاد مزیت‌های رقابتی برای صنایع داخلی تأکید داشت. این روی کرد، اگرچه با انتقادهایی از سوی مدافعان تجارت آزاد مواجه شد، به‌عنوان تلاش برای بازبانی قدرت اقتصادی امریکا توجیه می‌شد.

## ۵. تأثیر سیاست نئومرکانتیلیزمی ترامپ بر شرکت‌های چینی (هوآوی و زد. تی. ای)

در انتخابات سال ۲۰۱۶م و ۲۰۲۴م ایالات متحده آمریکا شاهد روی کار آمدن دونالد ترامپ از حزب جمهوری خواه بودیم، که در هر دو دوره با شعار «اول آمریکا» جهت گیری خود را مشخص نموده بود. دونالد ترامپ از حزب جمهوری خواه و متعلق به جریان راست مسیحی این کشور است. این جریان با داشتن نگرشی ایدئولوژیک و در عین حال قدرت محور، قائل به بازگشت آمریکا به دوران اقتدار گذشته و استثنانگرایی امریکاست. در حوزه سیاست خارجی ترامپ در صدد بازتعریف منافع ملی آمریکا بود و از دید او سیاست خارجی دموکرات‌ها بازی با حاصل جمع صفر، و سهم آمریکا در این بازی باخت بود (احمدیان و دیگران، ۱۳۹۸: ۵۰).

### ۵-۱. کنترل رقیبان

امریکا با بیش از ۲۱ تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی از حدود ۸۸ تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی کل کشورها، بزرگ‌ترین اقتصاد جهان را در اختیار دارد؛ اما چین با رشد قابل توجه خود، با داشتن حدود چهارده تریلیون دلار تولید ناخالص داخلی در این عرصه در حال نزدیک شدن به امریکاست و براساس پیش‌بینی‌ها، ممکن است در سال ۲۰۳۰م این برتری را از آمریکا بگیرد. ایالات متحده هم‌چنین با جذب حدودی ۲۲۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بزرگ‌ترین جذب‌کننده سرمایه‌گذاری خارجی است، که در مقایسه با سال‌های گذشته با کاهش روبه‌رو شده است و رقیبان جدی‌یی هم‌چون چین، انگلستان، هنگ‌کنگ، سنگاپور، اسپانیا، هلند، استرالیا، برزیل و هند پیدا کرده و اگر روند به همین ترتیب پیش برود، ممکن است آمریکا جای‌گاهش را در این عرصه از دست بدهد (قبرلو، ۱۳۹۷: ۲۶)؛ بنابراین، ایالات متحده در جهت کنترل این رقیبان سیاست‌های اقتصادی خاصی را به کار گرفته است.

### ۵-۲. نگرش حمایت‌گرایانه نئومرکانتیلیزمی ترامپ

نظریه نئومرکانتیلیزم بر اهمیت هم‌آهنگی میان فعالیت‌های اقتصادی و سیاست‌های حمایتی تأکید دارد تا کشورهای مختلف بتوانند با حداکثرسازی ثروت ملی، قدرت سیاسی خود را در نظام بین‌الملل تقویت کنند. عقاید ترامپ به ظاهر از مرکانتیلیزم سنتی به طریقه‌های گوناگونی فاصله گرفته است؛ به‌عنوان مثال، بی‌زاری‌جستن او از قوانین دولتی کاملاً با این باور محکم نویسنده‌گان مرکانتیلیزم که دولت می‌تواند و بایستی در اقتصاد دخالت کند، در تضاد است (احمدیان و کهریزی، ۱۳۹۸: ۱۳).

## تأثیر سیاست‌های نئومرکانتیلیزمی دولت ترامپ بر شرکت‌های چندملیتی چینی (عالمی)

ترامپ از خود دیدگاهی مرکانتیلیزمی نسبت به سیاست خارجی نشان داده است، که در آن کشورها با استفاده از منابع، توافقات امنیتی منعقد می‌کنند، که تنها روی منفعت مستقیم و فوری خودشان متمرکز است (احمد، ۱۳۹۷: ۶).

ترامپ سیاست‌های حمایت‌گرایانه را برای محافظت از صنایع داخلی ایالات متحده دنبال کرد. این شامل اعمال تعرفه‌ها بر واردات فولاد و آلومینیوم و تقویت تولید داخلی در صنایع کلیدی، مانند موتورسازی و انرژی می‌شد. دولت‌ها باید از طریق سیاست‌های کنترولی، فعالیت‌های اقتصادی را هم‌آهنگ کنند. دولت‌ها می‌توانند با ارائه یارانه‌ها، معافیت‌های مالیاتی و تسهیلات اعتباری به صنایع نوپا، به تقویت آن‌ها کمک کنند. وضع تعرفه‌ها و مقررات تجاری می‌تواند به حمایت از تولیدات داخلی و کاهش وابستگی به واردات کمک کند. دولت‌ها باید با ایجاد زیرساخت‌های مناسب و فراهم آوردن شرایط مساعد، صادرات را تسهیل کنند.

امریکا در جهت مقابله با چین ابزار سیاست تحریم را به کار گرفت تا بتواند چین را با مشکلات اقتصادی روبه‌رو سازد (احمدیان و دیگران، ۱۳۹۸: ۵۳). کنگره آمریکا با حمایت ترامپ تحریم گسترده‌یی علیه چین اعمال نموده، که می‌توان به تحریم شرکت‌های مخابراتی «زد. تی. ای» اشاره کرد. «زد. تی. ای» یک تولیدکننده عمده ارتباطات از راه دور چینی است، که سال‌ها مورد سوء ظن ایالات متحده بوده است.

### ۵-۳. سیاست تحریم شرکت‌های چینی

امریکا در جهت مقابله با چین ابزار سیاست تحریم را به کار گرفته است تا بتواند چین را با مشکلات اقتصادی روبه‌رو سازد. کنگره آمریکا با حمایت ترامپ، تحریم گسترده‌یی علیه چین اعمال نمود، که می‌توان به تحریم شرکت مخابراتی (ZTE) اشاره کرد، که وزارت بازرگانی آمریکا آن را ۸۹۲ میلیون دالر جریمه نموده است و موجب پایین آمدن سهام این شرکت در بازار بورس شد (احمدیان و دیگران، ۱۳۹۸: ۵۵).

شرکت (ZTE) دومین تولیدکننده ابزار و وسایل ارتباطی در چین است، که دولت آمریکا این شرکت را به دلایل ارسال غیرقانونی کالاها به ایران و کره شمالی تحریم کرد. وزارت بازرگانی آمریکا آن را یک میلیارد دالر جریمه نمود و «زد. تی. ای» نیز یک حکم اعدام شرکتی دریافت کرد. یک «حکم انکار»، که باعث می‌شود هیچ شرکت فناوری ایالات متحده به مدت هفت سال قطعات خود را تأمین نکند. با این حال، حکم اعدام شرکتی به شرطی که «زد. تی. ای» توافق‌نامه استیضاح را رعایت کند، تعلیق شد. این اقدام ترامپ باعث کاهش ارزش سهام شرکت (ZTE) در بازار بورس شد (شهنوازی، ۱۳۹۸: ۸۸).

شرکت چندملیتی (هوآوی) چین از بزرگ‌ترین شرکت‌های ارائه‌کننده تجهیزات و خدمات ارتباطات راه دور دنیاست، به طوری که اخیراً از شرکت امریکایی اپل پیشی گرفت تا بعد از سامسونگ، دومین سازنده بزرگ تلفن‌های هوشمند در جهان شد. ترامپ در یک حرکت نئومرکانتیلیزمی این شرکت و ۷۰ شرکت وابسته به آن را تحریم کرد (احمدیان و دیگران، ۱۳۹۸: ۵۵).

شرکت (زد. تی. ای) نیز یکی از بزرگ‌ترین تولیدکننده‌های تجهیزات مخابراتی در سطح دنیاست، که دفتر اصلی این شرکت در شهر سنژن چین قرار دارد. اصلی‌ترین فعالیت هوآوی در جهان به ساخت تجهیزات زیرساخت مخابراتی بازمی‌گردد. شرکت هوآوی بزرگ‌ترین تولیدکننده تجهیزات مخابراتی در جهان است و در زمینه تکنالوژی فایو جی (5G)، که آینده‌دنیای فناوری است، براساس تحلیل برخی از رسانه‌ها و کارشناسان، هوآوی از رقیبان غربی خود بیش از یک سال جلوتر است. این شرکت در حوزه فناوری نوین و مخابراتی فعال است و در چند سال اخیر توانسته است با ارائه خدمات پیش‌رفته به کشورهای مختلف به رقیبی جدی برای بازار فناوری و مخابراتی امریکا تبدیل شود و انحصار این کشور را خدشه‌دار کند. به نظر بسیاری از کارشناسان، دولت امریکا با تحریم این شرکت به بهانه‌هایی هم‌چون دوزدن تحریم‌های امریکا در دادوستد با ایران، درحقیقت به دنبال جلوگیری از توسعه این شرکت و کشور چین در عرصه فناوری‌های نوین بوده است. تحریم‌های امریکا به دو بخش سخت‌افزاری و نرم‌افزاری بازمی‌گردد و در بخش نرم‌افزاری هم بزرگ‌ترین چالش فاصله‌گرفتن گوگل از هم‌کاری با هوآوی است. گوگل اعلام کرد خدمات اساسی این شرکت به تلفن‌های محصول هوآوی ادامه خواهد یافت، ولی ممکن است برخی از ابزارها و خدمات حمایتی را از دست بدهند. هوآوی در عرصه نرم‌افزاری با ممنوعیت استفاده‌سازنده از برنامه‌های گوگل مواجه شد، که این ضربه بزرگی بر اکوسیستم نرم‌افزاری آن می‌باشد. تعداد شرکت‌های تحلیلی در اوایل ماه جاری نسبت به میزان حمل‌ونقل این شرکت‌ها ۳۵ درصد در بازارهای خارج از کشور اصلی چین، کاهش یافته است. درست است که بازار قبل از همه‌گیری کووید ۱۹ در حال حاضر برای همه تولیدکنندگان کساد بود، اما کاهش شدید هوآوی چهار برابر اپل در بازارهای غیرچینی است (شهنازی، ۱۳۹۸: ۹۳).

تحریم‌های سخت‌گیرانه‌تر امریکا بر شرکت هوآوی شرکت را در تأمین بعضی ابزارها با مشکل مواجه کرد و هوآوی تمام سهام خود در برند آنر (Honor) را به یک کنسرسیوم متشکل از حدود ۳۰ شرکت از جمله فروشنده‌گان آنر (Honor) در چین به فروش گذاشت. هم‌چنین دولت ترامپ بر علاوه تحریم‌ها از طرف خود از سایر هم‌پیمانان خود نیز خواست تا این غول فناوری را تحریم کنند. براساس اعلام دولت بریتانیا تمام ارائه‌دهنده‌گان خدمات تلفن هم‌راه در این کشور از خرید تجهیزات جدید شبکه مخابراتی نسل پنجم (G5) شرکت چینی «هوآوی» پس از سال (۲۰۲۰م) منع شده‌اند؛ و

قرار شده تمام تجهیزات اینترنت نسل پنجم این شرکت چینی تا سال (۲۰۲۷م) از شبکه‌های تلفن همراه بریتانیا کنار گذاشته شوند.

سیاست نئومرکانتیلیزمی ترامپ سبب کوچک‌شدن رد پای هوآوی در سراسر دنیا، به‌خصوص آمریکا و کشورهای آسیایی شد. دونالد ترامپ استفاده از فناوری این شرکت را تهدیدی علیه امنیت ملی آمریکا دانست. توسعه فناوری نسل پنجم تلفن همراه این شرکت به دلیل نگرانی در زمینه «امنیت ملی» در بعضی از کشورهای دیگر از جمله بریتانیا هم محدود شد. درآمد خارجی شرکت هوآوی به دلیل بیماری کووید ۱۹ و تحت تأثیر تحریم‌های ایالات متحده آمریکا کاهش یافته است. براساس آمارهای رسمی در سه‌ماهه آخر سال ۲۰۲۰م. میلادی فروش تلفن‌های هوشمند هوآوی حدود ۴۲ درصد افت کرد. فی‌المجموع باید خاطر نشان کرد که تعقیب سیاست نئومرکانتیلیزمی دولت ترامپ بر فعالیت شرکت‌های چندملیتی چینی اثراتی منفی بر جای گذاشت و باعث کاهش درآمد آن‌ها شد.

## ۶. مناقشه

رابطه چین و آمریکا به‌عنوان دو قدرت بزرگ اقتصادی و نظامی جهان، تأثیرات عمیق و گسترده‌یی بر نظام بین‌الملل دارد. رابطه چین و آمریکا نه‌تنها بر آینده این دو کشور، بل که بر ساختار کلی نظام بین‌الملل تأثیر خواهد گذاشت؛ به همین جهت تحولات آن باید به دقت مورد بررسی قرار گیرد. در سال‌های اخیر چین هم‌واره به‌عنوان یکی از چالش‌های اصلی آمریکا شناسایی شده و تقریباً بیش‌تر نخبگان ایالات متحده بر مسأله‌بودن این کشور برای آمریکا اتفاق نظر دارند و آن را به‌عنوان موضوعی فراگیر در نظر دارند. در این تحقیق تلاش بر این شد که تأثیر سیاست‌های نئومرکانتیلیزمی دولت ترامپ بر شرکت‌های چندملیتی چینی به بررسی گرفته شود، که این خود یکی از موضوعات مهم بین دو کشور می‌باشد. درنهایت، در این اثر تلاش شد به دور از قضاوت شخصی با نگاهی بی‌طرفانه تأثیر سیاست‌های نئومرکانتیلیزمی دولت ترامپ بر شرکت‌های چندملیتی چینی به بررسی اجمالی گرفته شود.

## ۷. نتیجه‌گیری

سیاست نئومرکانتیلیزمی دولت ترامپ از طریق کنترل رقیبان، نگرش حمایت‌گرایانه و وضع تحریم‌های اقتصادی و سیاسی بر فعالیت شرکت‌های چندملیتی چینی، اثری منفی بر جای گذاشته و سبب کاهش درآمد این شرکت‌ها شده است. حتی می‌توان اذعان داشت تعقیب این نوع سیاست‌ها در تمام عرصه‌های اقتصاد سیاسی بین‌الملل تأثیرات مخرب بر جای گذاشته است.

تأکید بر روابط هم‌کاری‌جویانه اقتصادی و سیاسی با سایر دولت‌ها در سیاست خارجی ایالات متحده در دوره ترامپ جای خود را به سیاست‌های نئومرکانتیلیزمی در حوزه اقتصاد داد. یک‌جانبه‌گرایی امریکا به‌خصوص در دوران ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ و به‌خصوص در مقابل شرکت‌های چینی تشدید شد. این یک‌جانبه‌گرایی در حوزه‌های مختلفی بروز و نمود پیدا کرد. دولت ترامپ با به‌کارگیری ابزارهای مختلفی هم‌چون تحریم اقتصادی کشورها، ایجاد محدودیت‌های تعرفه‌یی و غیرتعرفه‌یی، خروج از سازمان‌های بین‌المللی و برقراری تعرفه‌های افزایشی بر کالاهای وارداتی (به‌خصوص چینی) نیت خود را در چهارچوب حمایت‌گرایی و سیاست نئومرکانتیلیزمی دنبال نمود، که این نوع سیاست‌ها اثری منفی بر شرکت‌های چینی به دنبال داشته است.

پیش‌بینی می‌شود سیاست فشار امریکا بر چین و شرکت‌های چینی با تعقیب سیاست‌های نئومرکانتیلیزمی ترامپ در دوره دوم ریاست‌جمهوری او نیز سبب واکنش چینی‌ها شود و این واکنش می‌تواند در قالب تقویت سازمان بریکس باشد. قدرت‌های نوظهور بریکس نوع جدیدی از هم‌کاری را برای اصلاح نظم بین‌الملل فعلی دنبال می‌کنند. اصلاح نظم فعلی هم موجب افزایش تدریجی قدرت‌های غیر غربی، گسترش جهان چندقطبی، کاهش نسبی قدرت امریکا و ایجاد نظم بین‌المللی جدید خواهد گردید.

## ORCID

Mohammad Taher Tonzai



<https://orcid.org/0009-0002-6016-4202>

Mohammad Hashem Mehrzad



<https://orcid.org/0009-0004-4964-9940>

## ارجاع به این مقاله (APA):

. تنزه‌ای، محمد طاهر؛ مهرزاد، محمد‌هاشم. (۱۴۰۳). «تأثیر سیاست‌های نئومرکانتیلیزمی دولت ترامپ بر شرکت‌های چندملیتی چینی». فصل‌نامه علمی - پژوهشی غالب. ۱۳(۴). ۸۷-۱۰۴.  
<https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.13.I.4.5>

## To Cite this Article (APA):

. Tonzai, Mohammad Taher; Mehrzad, Mohammad Hashem. (2024). "The impact of the Trump Administration's Neo-mercantilistic Policies on Chinese Multinationals". *Ghalib Journal*. 13(4). 87-104. <https://doi.org/10.58342/ghalibqj.V.13.I.4.5>

## سرچشمه‌ها

۱. احمد، سلمان؛ بیک، الکساندر. (۱۳۹۷). «راهبرد امنیت ملی ترامپ؛ گونه جدید از مرکانتیلیزم». ترجمه اکبر بتوئی و جواد عرب یارمحمدی. مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست‌جمهوری کشور جمهوری اسلامی ایران <https://civilica.com/doc/1103546>.
۲. احمدیان، قدرت؛ رستمی، فرزاد؛ چراغی، حمیدرضا. (۱۳۹۸). «آثار رشد اقتصادی چین بر تقویت حمایت‌گرایی اقتصادی در ایالات متحده». *سیاست جهانی*. ۸(۱). ۳۳-۶۲. <https://doi.org/10.22124/wp.1970.3501>
۳. احمدیان، قدرت؛ کهریزی، ندا. (۱۳۹۸). «اقتصادسیاسی آمریکا و روابط تجاری چین و آسیا». *فصل‌نامه سیاست خارجی*. ۳۳(۳). ۶۱-۸۶. [http://fp.ipisjournals.ir/article\\_38455.html](http://fp.ipisjournals.ir/article_38455.html)
۴. بالام، دیوید و مایکل وست. (۱۳۹۷). *درآمدی بر اقتصاد سیاسی بین‌الملل*. ترجمه احمد ساعی و عبدالمجید سیفی. چ دوم. تهران: نشر قومس.
۵. تفضلی، فریدون. (۱۳۸۳). «ظهور اندیشه‌ها، مکاتب فکری و نظریه‌های اقتصادی جدید در دوران انقلاب صنعتی (۱۸۵۰-۱۷۵۰)». *پژوهش‌نامه اقتصادی*. ۴(۱۳). ۱۳-۵۳. [https://joer.atu.ac.ir/article\\_3431.html](https://joer.atu.ac.ir/article_3431.html)
۶. دهقانی اشکذری، مهدی؛ رحیم‌زاده، حسن. (۱۳۹۴). «پیدایش شرکت‌های چندملیتی و نقش آن‌ها در فرایند جهانی‌شدن اقتصاد دولتی». *دومین همایش ملی عدالت، اخلاق، فقه و حقوق*. <https://civilica.com/doc/525835>
۷. دینی ترکمانی، علی. (۱۳۹۱). «چشم‌انداز نظام اقتصاد بین‌الملل: رویکرد آینده پژوهی». *فصل‌نامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*. ۲۰(۶۱). ۱۹۳-۲۱۶. <http://qjerp.ir/article-fa.html>
۸. رفیع، حسین؛ بختیاری جامی، محسن. (۱۳۹۵). «رویکرد نئومرکانتیلیست روسیه و چین به انرژی آسیای مرکزی». *فصل‌نامه علمی مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*. ۲۲(۹۵). ۳۳-۶۴. [http://ca.ipisjournals.ir/article\\_24332.html](http://ca.ipisjournals.ir/article_24332.html)
۹. شهنازی، آرمان. (۱۳۹۸). «مطالعه نیومرکانتیلیزم و عمل‌کرد اقتصادی و سیاسی آمریکا». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانش‌گاه آزاد اسلامی. دانش‌کده ادبیات و علوم انسانی، گروه جغرافیا.
۱۰. قنبرلو، عبدالله. (۱۳۹۹). *اقتصاد سیاسی مداخله‌گرایی در سیاست خارجی آمریکا*. تهران: پژوهش‌کده مطالعات راهبردی.



۱۱. قنبرلو، عبدالله. (۱۳۹۵). «آثار دوگانه گشایش اقتصادی بر سیاست خارجی چین». *جستارهای سیاسی معاصر*. ۷(۲۰). ۴۵-۶۸.  
[https://politicalstudy.ihcs.ac.ir/article\\_2220\\_0.html?lang=en](https://politicalstudy.ihcs.ac.ir/article_2220_0.html?lang=en)
۱۲. قوام، سید عبدالعلی. (۱۳۹۸). *روابط بین‌الملل؛ نظریه‌ها و رویکردها*. تهران: انتشارات سمت.
۱۳. کوهن، تئودور. (۱۳۹۲). *اقتصاد سیاسی جهانی: نظریه و کاربرد*. ترجمه عادل پیغامی و دیگران. تهران: انتشارات دانش گاه امام صادق (ع).
۱۴. موسوی شفیعی، سید مسعود. (۱۳۸۶). «مناقشات نظری در اقتصاد سیاسی بین‌الملل». *پژوهش‌نامه حقوق و علوم سیاسی*. شماره ۴. <http://noo.rs/DAY5g>
۱۵. میرترابی، سعید. (۱۳۹۳). «شرکت‌های چندملیتی نوظهور و توسعه جنوب». *فصلنامه تخصصی علوم سیاسی*. ۱۰(۲۸). ۷-۳۳. <https://sanad.iau.ir/fa/Journal/psq/Article/1102903>
16. Guerrieri, P., & Padoan, P. C. (1986). Neomercantilism and international economic stability. *International Organization*. 40(1). 29-42.  
<https://doi.org/10.1017/S002081830000446X>
17. Powell, R. (1991). Absolute and relative gains in international relations theory. *American Political Science Review*. 85(4). 1303-1320. <https://doi.org/10.2307/1963947>

## References

1. Ahmad, Salman; Beck, Alexander. (2018). "Trump's National Security Strategy: A New Type of Mercantilism." Translated by Akbar Betoui and Javad Arab Yarmohammadi. Strategic Research Center of the Presidency of the Islamic Republic of Iran. [Link](#)
2. Ahmadian, Ghodrat; Rostami, Farzad; Cheraghi, Hamidreza. (2019). "The Effects of China's Economic Growth on Strengthening Economic Protectionism in the United States." *World Politics*, 8(1), 33-62. [DOI](#)
3. Ahmadian, Ghodrat; Kahrezi, Neda. (2019). "The Political Economy of the U.S. and China-Asia Trade Relations." *Foreign Policy Quarterly*, 33(3), 61-86. [Link](#)
4. Balaam, David N., and Michael Veseth. (2018). *Introduction to International Political Economy*. Translated by Ahmad Saei and Abdolmajid Seifi, 2nd ed. Tehran: Ghomes Publishing.
5. Tafazoli, Fereydoun. (2004). "The Emergence of New Economic Ideas, Schools of Thought, and Theories During the Industrial Revolution (1750-1850)." *Economic Research Journal*, 4(13), 13-53. [Link](#)
6. Dehghani Ashkezari, Mehdi; Rahimzadeh, Hassan. (2015). "The Emergence of Multinational Corporations and Their Role in the Process of Economic Globalization." *Second National Conference on Justice, Ethics, Jurisprudence, and Law*. [Link](#)
7. Dini-Torkamani, Ali. (2012). "The Outlook of the International Economic System: A Futurism Approach." *Economic Research and Policy Quarterly*, 20(61), 193-216. [Link](#)

8. Rafie, Hossein; Bakhtiari Jami, Mohsen. (2016). "The Neo-Mercantilist Approach of Russia and China to Central Asia's Energy." *Central Asia and Caucasus Studies Quarterly*, 22(95), 33-64. [Link](#)
  9. Shahnnavazi, Arman. (2019). "A Study of Neo-Mercantilism and the Economic and Political Performance of the United States." Master's Thesis. Islamic Azad University, Faculty of Literature and Humanities, Department of Geography.
  10. Ghanbarlou, Abdollah. (2020). *The Political Economy of Interventionism in U.S. Foreign Policy*. Tehran: Strategic Studies Research Institute.
  11. Ghanbarlou, Abdollah. (2016). "The Dual Effects of Economic Opening on China's Foreign Policy." *Contemporary Political Essays*, 7(20), 45-68. [Link](#)
  12. Gavam, Seyyed Abdolali. (2019). *International Relations: Theories and Approaches*. Tehran: SAMT Publications.
  13. Cohen, Theodore. (2013). *Global Political Economy: Theory and Application*. Translated by Adel Peighami et al. Tehran: Imam Sadiq University Press.
  14. Mousavi Shafaei, Seyyed Masoud. (2007). "Theoretical Debates in International Political Economy." *Journal of Law and Political Science Research*, Issue 4. [Link](#)
  15. Mirtorabi, Saeed. (2014). "Emerging Multinational Corporations and the Development of the Global South." *Specialized Quarterly of Political Science*, 10(28), 7-33. [Link](#)
  16. Guerrieri, P., & Padoan, P. C. (1986). "Neomercantilism and International Economic Stability." *International Organization*, 40(1), 29-42. [Link](#)
  17. Powell, R. (1991). "Absolute and Relative Gains in International Relations Theory." *American Political Science Review*, 85(4), 1303-1320. [Link](#)
- 
-